

بررسی ابعاد و پیامدهای ژئوپلیتیکی حضور ناتو در افغانستان

حجت اله پشاپور *

دکتر محمد اخباری **

چکیده

حادثه ۱۱ سپتامبر و طرح تهدیدات چون تروریسم، بنیادگرایی اسلامی و گسترش تسلیحات دسته جمعی باعث شد سازمان ناتو به عنوان قدیمیترین، باثبات ترین و مهمترین نهاد امنیتی جهان اولین ماموریت خارج از حوزه سنتی خود را در افغانستان تجربه کند. در واقع با حادثه ۱۱ سپتامبر ایالات متحده به عنوان سرکرده ناتو موضوع امنیت و مبارزه با تروریسم را برای خود و شرکایش حیاتی دانست ولی اهداف واقعی ناتو مبارزه با تروریسم نبود بلکه ناتو به منابع اروآسیا نیاز شدید داشت و با حضور در افغانستان می توانست نه تنها منابع عظیم انرژی منطقه را در کنترل داشته باشد بلکه قدرت های منطقه ای نظیر چین، روسیه، هند و جمهوری اسلامی ایران را تحت کنترل داشته باشد. هدف ما در این تحقیق این است که پیامدهای ژئوپلیتیکی حضور ناتو در افغانستان را بررسی کنیم. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی با ماهیت کاربردی و رویکرد واقع گرایی انجام شده است. در پایان این تحقیق مشخص شد حضور ناتو در افغانستان پیامدهای ژئوپلیتیکی متعددی داشته است ناتو با حضور در افغانستان این کشور را به عنوان مرکز عملیات بر علیه دشمنان خود قرار داده است با شعار مبارزه با تروریسم گسترش خود را به شرق توجیه، و حضور خود را در منطقه نهادینه کرده است همچنین حضور ناتو در افغانستان باعث افزایش تولید مواد مخدر، تضعیف طالبان و انزوای جمهوری اسلامی ایران شده است.

واژگان کلیدی: ناتو، تروریسم، ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک

*دانش آموخته کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

**هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۱/۲/۱۲

بیان مساله

اگر چه پیمان ناتو برای برقراری امنیت در مقابل شوروی و بلوک شرقی و دفاع از سرزمینهای کشورهای هم پیمان تاسیس شده بود اما همواره وسیله برای کشورهای غرب و در راس آنها ایالات متحده آمریکا بوده تا با استفاده از امکانات این پیمان سایر کشورها را مورد غارت و استعمار قرار دهند. پس از پایان جنگ سرد به جهت ضعف ساختاری سازمان ملل، شورای امنیت سازمان ملل تقریباً کارایی خود را از دست داده است بنابراین ناتو به عنوان بازوی اجرایی سازمان ملل می پردازد. در حال حاضر ناتو خود را سازمان فرامنطقه ای اما با مأموریت جهانی میداند و در پی کسب مشروعیت جهانی می باشد... پس از واقعه ۱۱ سپتامبر افغانستان کانون تروریسم بین المللی اعلام شد و آمریکا با حمله به آن کشور در ۷ اکتبر ۲۰۰۱ حکومت طالبان را سرنگون کرد. ناتو در آگوست ۲۰۰۳ وارد افغانستان شد ناتو به طور رسمی با عهده دار شدن فرماندهی نیروهای بین المللی کمک به امنیت افغانستان (ایساف) عملاً تامین امنیت کابل و حومه آنرا برعهده گرفت و با تغییر استراتژی نظامی - امنیتی برای اولین بار از اروپا و شمال آمریکا خارج، و وارد آسیا شد. حضور ناتو در افغانستان موجب نگرانی کشورهای نظیر ایران، روسیه، هند و چین شده است حال سوال این است که حضور ناتو در افغانستان چه پیامدهای ژئوپولیتیکی در بر داشته است؟ علل حضور ناتو در افغانستان چه بوده است؟

فرضیات

- ۱- به نظر می رسد حضور ناتو در افغانستان دارای پیامدهای ژئوپولیتیکی متعددی بوده است.
- ۲- به نظر می رسد ناتو با بزرگ جلوه دادن تروریسم و امنیتی کردن خاورمیانه به دنبال اهداف و منافع خود بوده است.

مبانی نظری پژوهش: ژئوپولیتیک، نظریات مهم آن و ناتو

در فرهنگنامه فرانسوی روبر (۱۹۶۵) در باره واژه ژئوپولیتیک^۱ آمده است: «ژئوپولیتیک علمی است که به مطالعه روابط بین دادههای طبیعی جغرافیا و سیاست حکومتها می پردازد (عزتی، ۱۳۸۸، ۵)» ژئوپولیتیک علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر می باشد (حافظ نیا، ۱۳۸۵، ۳۶). به نظر دکتر عزتی بهترین تعریفی که در حال حاضر از ژئوپولیتیک ارائه داد این

^۱ Geopolitics

است «ژئوپلیتیک عبارت است از: درک واقعیت‌های محیط جغرافیایی به منظور دستیابی به قدرت، به نحوی که بتوان در بالاترین سطح وارد بازی شد و منافع ملی و حیات ملی را حفظ کرد، به عبارت دیگر ژئوپلیتیک عبارت است: علم کشف روابط محیط جغرافیایی و تاثیر آن بر سر نوشت سیاسی ملل» (عزتی، ۱۳۸۸: ۵).

برداشتهای مختلف از جهان ژئوپلیتیکی

مکیندر^۱ قاره های اروپا، آسیا، آفریقا، را به عنوان جزیره جهانی^۲ شناخت و آن را به همین نام معرفی کرد. کلید جزیره جهانی، ناحیه محور یا هارتلند است. وی هارتلند را ناحیه وسیعی می دانست که از اقیانوس منجمد شمالی تا نزدیکی کناره های آبی این منطقه ادامه داشت.

اسپایکمن^۳ در کتاب خود به نام جغرافیای صلح که بعد از مرگش منتشر شد به انتقاد از نظریه مکیندر پرداخت. تفسیر اسپایکمن از اهمیت ارتباط هارتلند با حلقه اطراف آن، اندکی با اظهارات مکیندر متفاوت است، مکیندر این محدوده را هلال داخلی و خارجی می خواند اما در بیان اسپایکمن این محدوده سرزمین حاشیه یا ریملند^۴ خوانده می شود که در محاصره آبهاست. اسپایکمن بیشتر بر دریا تاکید داشت. او معتقد بود که قدرت دریایی است قاره اروآسیا را ممتاز می سازد و آن را به شکل یک واحد عمل کننده درمی آورد و همچنین دریا ارتباط بین دنیای قدیم و جدید را امکان پذیر می سازد. در نهایت وی قدرت دریایی را کلید استراتژی جهانی می دانست.

در سال ۱۹۶۵ دونالد ماینگ^۵ کانون توجه علم ژئوپلیتیک را مجدداً به مفهوم هارتلند مکیندر معطوف کرد. هم هارتلند و هم ریلمند به شکلی باقی مانده بودند که به مفاهیمی که اسپایکمن نزدیک به یک دهه قبل ارائه کرده بود، شباهت بسیاری داشت. اما این بار نویسنده به سختی تلاش کرد تا نشان دهد که جهت کشورهای ریلمند ممکن است از بیرونی یا دریایی به داخلی یا قاره ای تغییر کند. در این جا مقبول ترین توضیح از مفهوم هارتلند ارائه شده بود، زیرا نشان می داد این اراده انسان است که می تواند جهت گیری سیاسی کشور را تحت تاثیر قرار دهد، نه عوامل محیطی (مویر، ۱۳۷۹: ۳۸۰).

^۱ Mackinder

^۲ World Island

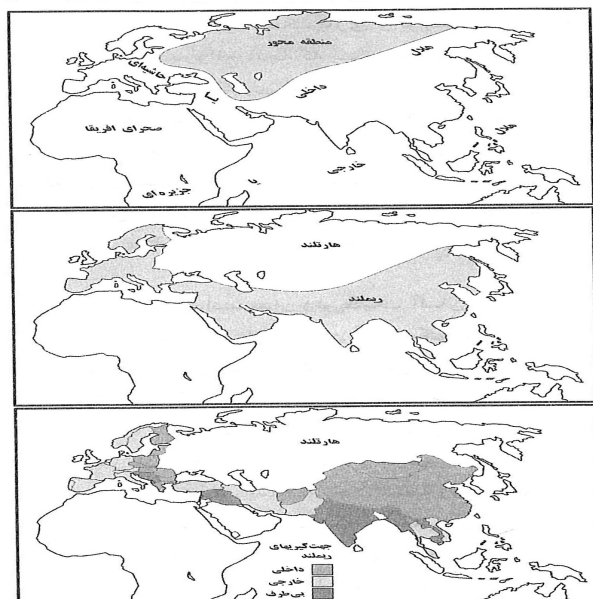
^۳ Spykman

^۴ Rimland

^۵ Donald Meinig

نقشه ۱-۲: برداشتهای مختلف از جهان ژئوپلیتیکی

(از بالا به پایین): مکیندر (۱۹۰۴)، اسپایکمن (۱۹۴۴)، ماینگ (۱۹۵۶)



منبع: (مویر، ۱۳۷۹: ۳۷۶)

بیضی انرژی استراتژیک، هارتلند انرژی (جفری کمپ)

جهان اندیش خیره آمریکایی، پروفیسور جفری کمپ با شناسایی و درک وضعیت موجود در نوشته ای که در سال ۱۹۹۷ منتشر کرد، مجموعه سرزمین های دربرگیرنده خلیج فارس و دریای خزر را "منطقه بیضی شکل انرژی استراتژیک" نام داده است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۸۱). جفری کمپ، متأثر از نظریه هارتلند مکیندر، از بیضی انرژی جهانی یا هارتلند انرژی یاد می کند. این منطقه تخم مرغی شکل، از جنوب روسیه و قزاقستان تا عربستان سعودی و امارات متحده عربی را دربر می گیرد (کمپ، ۱۳۸۳: ۱۸۷).

ناتو

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) با امضای موافقتنامه امنیت دسته جمعی موسوم به «پیمان آتلانتیک شمالی»^۲ از سوی ۱۲ کشور آمریکای شمالی و اروپا شامل: ایالات متحده آمریکا، ایتالیا، ایسلند، بریتانیا، بلژیک، پرتغال، دانمارک، فرانسه، کانادا، لوکزامبورگ، نروژ و هلند، در ۴ آوریل سال ۱۹۴۹ در شهر

^۱ The Strategic Energy Elips
^۲ NORTH ATLANTIC TREATY

واشنگتن پا به عرصه وجود گذاشت (کتاب سبز ناتو، ۱۳۸۶: ۱). در سال های بعد گسترش یافت و امسال با پیوستن گرجستان تعداد اعضای ناتو به ۲۹ کشور رسید.

استراتژی نوین ناتو

مطرح کردن تهدید های جدید برای اعضای ناتو است که توجیه کننده ادامه حیات ناتو دانسته شده است. تروریسم، سلاح های کشتار جمعی، حملات شبکه مجازی (سایبر)، امنیت انرژی و تغییرات آب و هوایی از جمله چالش های جدیدی است هستند که مفهوم نوین استراتژیک ناتو از طریق ایجاد اجماع میان اعضای سازمان در پی پاسخ گویی به این چالش هاست (احدی، ۱۳۸۹: ۳۹).

به طور کلی چهار موضوع را در استراتژی نوین ناتو مدنظر قرار داد

۱- مطرح کردن تهدید های جدید

یکی از اهداف جدید ناتو در استراتژی جدید، مطرح کردن تهدید های نوینی است که به تقویت موجودیت این سازمان کمک می کند. در این رابطه یکی از مسائلی که به چشم می خورد ذکر نام ایران به عنوان تهدید موشکی و تسلیحات اتمی برای اعضای ناتو است.

۲- مشارکت با روسیه

پیمان ناتو که روزگاری در تقابل با پیمان ورشو، روسیه را دشمن خود می شمرد، اکنون در پی جذب این رقیب سنتی و هضم آن در دل ساختار امنیتی خود است. توسعه و تثبیت همکاری با روسیه به منظور برطرف ساختن موانع روسی بر سر راه برنامه های ناتو در استراتژی جدید این ساختار یورو-آتلانتیکی جای گرفته است.

۳- ترکیه بازیگر اصلی در تدوین استراتژی جدید ناتو

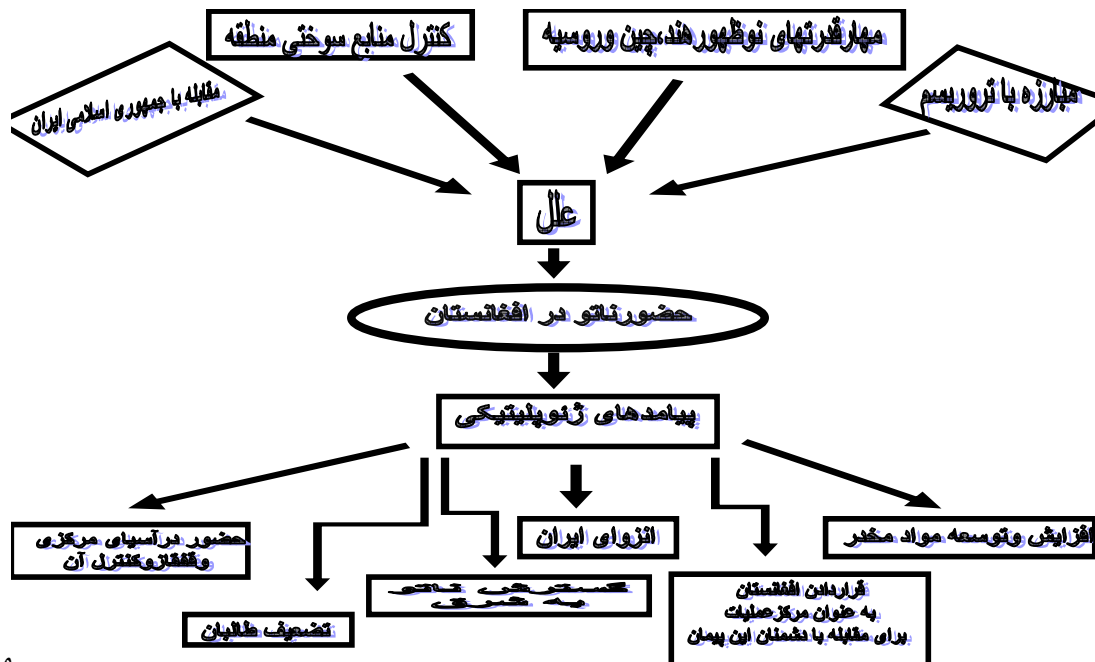
در اجلاس ۲۰۱۰ لیسبون، در بین اعضای ۲۸ گانه ناتو، جمهوری ترکیه در کانون توجه اصلی قرار داشت. از این رو بارزترین مشخصه فرآیند تدوین مفهوم جدید استراتژی ناتو برای دهه ۲۰۱۰ را می توان نقش پررنگ جمهوری ترکیه عنوان کرد.

۴- تاکید بر مشارکت بیشتر اروپا

یکی دیگر از مسائلی که بویژه در گزارش استراتژیک نوین ناتو مورد تاکید شده، توسعه همکاری ناتو و اتحادیه اروپاست که برای این سازمان از اهمیت بالایی برخوردار است.

در مدل پیشرو کلیه مولفه‌ها، متغیرها، و شاخص‌های پژوهش جهت سهولت در فهم و تبیین آن درج شده است.

شکل شماره ۱: مدل پیامدهای ژئوپلیتیکی حضور ناتو در افغانستان



منبع: ذ

گاردگان

ژئوپلیتیک افغانستان

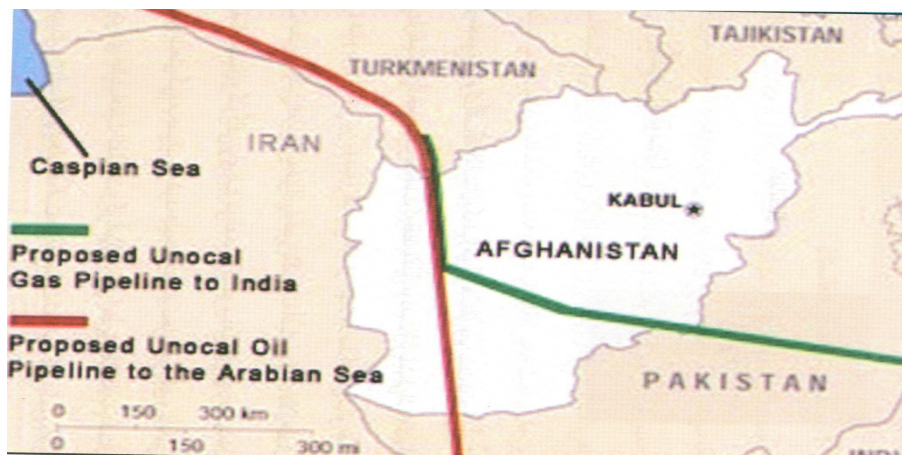
افغانستان در منطقه حساس آسیا قرار گرفته است؛ از یکسو به شبه قاره هند، از سوی دیگر به آسیای مرکزی و چین، و از سمت دیگر به آسیای غربی مرتبط است.

به طور خلاصه از حیثیت ژئوپلیتیک سه ویژگی افغانستان می توان قائل شد.

اولا دارای موقعیت بری بوده و از دسترسی به آبهای آزاد جهان محروم و از این جهت شدیداً دچار مشکل می باشد. ثانيا در مسیر ارتباط آسیای میانه به اقیانوس هند قرار گرفته است. ثالثا مجاورت افغانستان با جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری که با آمریکا در تضاد می باشد (پرواز، ۱۳۷۹: ۹۰). در مجموع می توان گفت که افغانستان یک سرزمین کوهستانی و بن بست در مرکز آسیا و بی بهره از نفت و مواد خام استراتژیک هست که فقط به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی اش به عنوان دروازه هندوستان و حایل بین روسیه و اقیانوس هند در جهت مقاصد اعضای ناتو حائز اهمیت است. همچنین افغانستان به عنوان راه عبور پاکستان به آسیای مرکزی، دالان اتصال ایران به تاجیکستان و گذرگاهی برای دسترسی به هند و کشمیر و دهلیزی برای نزدیک شدن روسیه به آبهای گرم محسوب

می‌شود. همچنین بعد از تجزیه شوروی و تشکیل جمهوری‌های جدید، اهمیت انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی از طریق افغانستان به پاکستان نقش جدیدی برای این کشور ایجاد کرده است. این نقش باعث شده است که این کشور با دارا بودن چنین موقعیتی بار دیگر از دیدگاه قدرت‌های مختلف، اهمیت دو چندانی را کسب کند (رحمانی، ۱۳۸۳: ۱۱۲).

نقشه شماره ۱: موقعیت ژئوپلیتیکی افغانستان با توجه به طرح‌های خطوط انرژی



منبع: (نامی، ۱۳۷۸: ۱۴۶)

جدول شماره ۱: ویژگیها و امتیازات ژئوپلیتیکی افغانستان

عناوین	جایگاه افغانستان	میزان نقش
نظریات جهانی ژئوپلیتیک	قرار گرفتن در نظریات هارتلند، ریملند و مجاورت با هارتلند انرژی کمپ	بالا
موقعیت	ارتباط دهنده آسیای مرکزی و چین و آسیای غربی و محصور در خشکی	بالا
وسعت	مساحت ۶۴۷ ۰۰۰ کیلومتر مربع (چهل و یکمین کشور جهان)	متوسط
توپوگرافی	همسایه گی با قدرت نو ظهور (چین و ایران) دارای رودخانه های قابل توجه (مرزی، داخلی) دارای رشته کوه های طولانی و موقعیت مناسب دفاعی و بلندی های زیاد	متوسط متوسط متوسط
شکل کشور	طولیل	ضعیف
جمعیت و هرم سنی	دارای ترکیب جمعیتی جوان و نرخ رشد بالا و مهاجرت بالا	متوسط از نظر هرم (سنی منفی)
منابع	از لحاظ منابع کشوری غنی، اکثر این منابع بکر و دست نخورده باقی مانده است.	متوسط
بافت سیاسی و اجتماعی	دارای بافت قومی و قبیله ای	بالا

منبع: نگارندگان

مناطق حضور نیروهای ناتو در افغانستان

در حال حاضر ۲۸ کشور عضو ناتو و ۱۱ کشور شریک دارای نیروی نظامی در افغانستان هستند. که در سرتاسر افغانستان حضور دارند. برخی از اعضای سازمان مانند آمریکا، کانادا و انگلیس که مناطق نا آرام جنوب و شرق افغانستان نیرو مستقر نموده اند از سایر متحدین اروپایی نظیر آلمان، ایتالیا، اسپانیا و .. به خاطر استقرار نیرو در مناطق آرام شمال و غرب افغانستان ناراضی بوده و پیوسته درخواست اعزام بخشی از نیروهای این کشور به مناطق نا آرام جنوب و شرق افغانستان را مطرح می نمایند. درخواستی که توسط هم پیمانان پیوسته رد می شود (www.fas.org).

نقشه شماره ۲: مناطق حضور نیروهای ناتو در افغانستان



منبع: (نامی، ۱۳۸۷: ۳۲)

یافته های تحقیق

علل حضور ناتو در افغانستان:

۱- مهار قدرت های نوظهور چین، هند و روسیه

از نظر ناتو کشورهای چین و روسیه و هند می توانند در چند سال آینده به قدرت برتر جهان تبدیل شوند و این کشورها می توانند منافع ناتو را در منطقه تهدید کنند افغانستان در قلب آسیا قرار دارد و کریدور ارو آسیا محسوب می شود و از نظر ناتو افغانستان بهترین موقعیت ژئوپولیتیکی را برای مهار قدرت های مذکور را دارد.

۲- کنترل منابع سوختی منطقه

پس از فروپاشی شوروی و حاکم شدن گفتمان ژئواکونومیک^۱ به عنوان ملاک قدرت در سده بیست و یکم، رقابت بر سر منابع انرژی به یکی از مسائل رایج در جهان ژئوپلیتیک تبدیل شده است شاید هیچ چیز به اندازه نفت و گاز در سیاست جهان و تحولات ژئوپلیتیکی امروز تأثیر نداشته باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۲). در این میان خاورمیانه و بالاحص خلیج فارس و دریای خزر به دلیل داشتن ذخایر عمده انرژی از مناطق مهم ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک خواهند بود. تقریباً دو سوم ذخایر اثبات شده نفت و یک سوم ذخایر گاز طبیعی جهان در اختیار کشورهای خلیج فارس قرار دارد. اگر ذخایر برآورد شده دریای خزر به آن اضافه گردد، درصد نسبی این ذخایر به بیش از ۷۰ درصد برای نفت و بیش از ۴۰ درصد برای گاز طبیعی می‌رسد (کمپ، ۱۳۸۳: ۱۸۷). بر اساس سند استراتژی^۲ امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱، در دهه‌های آینده وابستگی آمریکا به منابع خارجی انرژی بیشتر خواهد شد. صرف نظر از رویدادهای که به میزان فراوان بر بهای نفت تأثیر دارند، ثبات بازار جهانی نفت هم چنان به استفاده پی‌گیر و پیوسته از نفت خلیج فارس وابسته و محل ذخایر مهم سوخت فسیلی، هم چنان از نظر جغرافیایی مهم تلقی خواهد شد. این سند همچنین تأکید می‌کند: ایالات متحده با همکاری دیگران باید به تلاش‌های خود برای جلوگیری از تبدیل شدن تولید نفت خلیج فارس و دیگر مناطق اصلی تولید انرژی، به صورت سلاح سیاسی بر ضد آمریکا و دیگر متحدانش ادامه دهد. (سند استراتژی ملی قرن ۲۱ آمریکا، ۲۶۰-۲۸۰) اهمیت استراتژیکی منابع خلیج فارس و دریای خزر نشان می‌دهد که ناتو به رهبری ایالات متحده آمریکا به دنبال کنترل دو حوزه یاد شده می‌باشد بنابراین یکی از دلایل عمده لشکرکشی ناتو به رهبری ایالت متحده به کشورهای خاورمیانه و بالاحص به افغانستان، دسترسی به منابع انرژی منطقه و محروم کردن رقبای آن است.

۳- مبارزه با تروریسم

ناتو بلافاصله پس از حوادث ۱۱ سپتامبر با اتخاذ تدابیری مهم و با ایجاد تعهداتی جدید برای خود از طریق ((شورای مشارکت اروپایی-آتلانتیک))^۳ بزرگترین ائتلاف دایم در جهان را در جنگ علیه تروریسم شکل داد. ناتو برای انطباق خود با شرایط و تحولات نوین و تقویت توانمندیهای سازمان با تهدیدات جدید مشارکت بیشتر نیروهای سازمان در عملیات علیه تروریسم جهانی تلاش مستمر و جدی برای جلوگیری از

^۱ Geo-economics

^۲ Strategie

^۳ Euro-Atlantic Partnership Council (EAPC)

اشاعه‌ی تسلیحات کشتار جمعی و ابزارهای حمل آن آمادگی در برابر حملات تروریستی با به کارگیری سلاح‌های شیمیایی بیولوژیکی رادیولوژی و هسته‌ای را مورد توجه جدی قرار داد. در واقع می‌توان گفت که تروریسم قاعده بازی جدید در عرصه‌ی بین‌المللی نه تنها امروزه به مهمترین و بالاترین خطر تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی تبدیل شده بلکه متقابلاً موجب شده است تا از شدت وحدت تهدیدات نوع سنتی گذشته که احساس تهدید قدرتها نسبت به یکدیگر بود کاسته شود. در واقع تروریسم موجب شده تا علاوه بر آن که در معیارها و ملاکها نسبت به تهدید و خطر بین‌المللی تغییر ایجاد شود بلکه دولتها به یافتن وجوه مشترک که می‌تواند زمینه ساز ائتلافها و همکاریها باشد سوق می‌یابند (ترابی ۱۳۸۱: ۴۹). مبارزه با تروریسم و تسلیحات کشتار جمعی دو پارادایم^۱ اصلی در سیاست گذاری ناتو پس از ۱۱ سپتامبر است و اکثر ماموریت‌های ناتو بر اساس این پارادایم تعریف می‌شوند.

۴- مقابله با جمهوری اسلامی ایران

نوام چامسکی در مقاله‌ای با عنوان جنگ سرد دوم، تقابل ایران و آمریکا، با اشاره به ظهور ایران به عنوان قدرت جدید مقابل آمریکا می‌نویسد: دشمن سرسخت دیگری بنام ایران ظهور کرده است که مصمم به فتح دنیا می‌باشد که می‌بایست آن را مهار کرد و از پای درآورد. به نظر می‌رسد که این مساله زمینه را برای بازگشت به روزهای پرتلاطم جنگ سرد فراهم می‌کند (کیهان ۱۳/۵/۸۷). همین طور مارک مازتی و هلن کوپر در شماره ۳۱ جولای نیویورک تایمز اذعان کردند، برای محاصره و محدود کردن نفوذ ایران، باید این کشور را با نیروی زمینی ناتو و آمریکا، به همراه ناوهای نیروی دریایی در خلیج فارس و نیروی هوای محاصره کرد. (همان) یکی از اهداف جدید ناتو که در استراتژی جدید آن هم گنجانده شده است مطرح کردن ایران به عنوان یک تهدید بزرگ و مقابله با جمهوری اسلامی ایران است.

ابعاد و پیامدهای ژئوپلیتیکی حضور ناتو در افغانستان:

۱- قرارداد دادن افغانستان به عنوان مرکز عملیات برای مقابله با دشمنان این پیمان

به طور کلی برای ناتو و ایالات متحده آمریکا می‌توان کشورهای چین و روسیه به عنوان دو قدرت تاثیر گذار در منطقه و دو قدرت نوپای اتمی پاکستان و هند، و جمهوری اسلامی ایران را تهدید به حساب آورد. با وجود ضعف و نابسامانی روسیه و سقوط جایگاه این کشور از سطح بین‌المللی برخی از متغیرها به ویژه نظامی و ژئوپلیتیک باعث شده که ایالات متحده همچنان روسیه را بزرگترین رقیب خود که می‌تواند

^۱ Paradigm

برای امنیت ملی آمریکا خطر ساز باشد به دقت زیر نظر داشته برنامه‌هایی برای مهار کردن و کنترل او و همچنین برخی از قدرت‌های نظیر چین طرح ریزی و به مرحله اجرا بگذارد (شربانی، ۱۳۸۷: ۱۶۷).

در خصوص سیاست ایالات متحده در قبال روسیه می‌توان گفت گرچه این سیاست وجوه و تاکتیکهای مختلفی به خود گرفته است اساس آن یک عنصر واحد بوده و آن عنصر عبارتند از: تغییر ماهیت سیاست و حکومت در روسیه به نحوی که ضمن مهار کردن این کشور آن را به یک کشور مسالمت جو و همگرا با کشورهای اروپایی و یک قدرت درجه ۲ تبدیل نماید (شیرغلامی، ۱۳۸۰: ۹). از طرفی روسیه ناتو را در منطقه تهدیدی بر خود می‌داند پوتین در سال ۲۰۰۶ اظهار داشت "برخلاف تمام اظهارات مقامات رسمی ناتو و رهبران کشورهای عضو این سازمان مبنی بر اینکه گسترش ناتو تهدیدی برای دیگران محسوب نمی‌شود. نفوذ بیشتر ناتو به شرق اروپا دقیقاً به منزله‌ی پیکانی خواهد بود که روسیه را نشانه رفته است" (روزنامه شرق ۸۳/۱/۱۹). چین همانند روسیه شرایط لازم را برای تبدیل به ابر قدرت را دارد. رشد اقتصادی معجزه آسای این کشور و رشد سرمایه داری انحصاری به رهبری این کشور و گسترش آن در منطقه تسخیر بازارهای مصرف بسیاری از کشورهای جهان از جمله آمریکا و اروپا به کمک تولیدات صنعتی ارزان قیمت این کشور اقتصاد متحده غربی را تهدید می‌کند پیش بینی می‌شود چین در قرن ۲۱ به یکی از قطب‌های جهان تبدیل شود. هند هم در حال حاضر از پیشرفت‌های اقتصادی ویژه ای برخوردار گشته است و در حال مطرح شدن به عنوان یکی از قطب‌های مهم اقتصادی دنیاست که از قدرت اتمی نیز برخوردار است. در مورد پاکستان هم باید گفت که همسو با سیاست‌های ناتو حرکت میکند ولی ایالات متحده آمریکا همیشه نگران آن است که پاکستان بر علیه ایالات متحده حرکت کند که اخیر روابط دو کشور به سردی گراییده است و آمریکا سعی می‌کند از اتحاد پاکستان با سایر قدرت‌های منطقه جلوگیری کند. همسایگی افغانستان با کشورهای مهم از قبیل چین، پاکستان و ایران و هم چنین موقعیت استراتژیک افغانستان در حوزه نفوذ هند، روسیه و چین باعث شد افغانستان بهترین موقعیت ژئوپلیتیک را برای کنترل این قدرت‌ها را برای ناتو و ایالات متحده فراهم آورد.

۲- افزایش و توسعه مواد مخدر

در کل حضور ناتو در افغانستان از چند جهت باعث افزایش مواد مخدر در افغانستان شده است یکی اینکه با افزایش ناامنی و بی‌ثباتی و توسعه فقر باعث افزایش کشت و ترانزیت مواد مخدر شده است دوم اینکه یک جنگ فرسایشی را بر کشور افغانستان تحمیل کرده است و برای اینکه طالبان هزینه خود را برای

ادامه جنگ تامین کند به دنبال تجارت مواد مخدر است سوم اینکه خود ناتو برخلاف شعارهای که در زمینه مبارزه با مواد مخدر می‌دهد از مواد مخدر به عنوان یک سلاح خاموش برای مقابله با دشمنان این پیمان استفاده می‌کند.

۳- حضور در آسیای مرکزی و قفقاز

آسیای مرکزی و قفقاز از نظر ژئواستراتژیکی، موقعیت بر جسته‌ای در نقشه جهان دارد کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز با در اختیار داشتن منابع عظیم نفت، گاز، زغال سنگ، ارونیم، فلزات آهنی، غیر آهنی و استعداد کشاورزی اهمیت جهانی دارند. دو منطقه آسیای مرکزی و قفقاز بعد از فروپاشی شوروی سوسیالیستی از ۸ جمهوری مستقل ایجاد شده اند که کشورهای قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ترکمنستان در آسیای مرکزی و سه کشور آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در قفقاز قرار دارند (متقی، ۱۳۸۷: ۱۳۸). با فروپاشی شوروی منطقه آسیای مرکزی، خزر و قفقاز برجستگی ویژه ای در نقشه جغرافیایی جهان یافت برژینسکی تأکید می‌کند هر کشور که بتواند بر آسیای مرکزی و قفقاز تسلط پیدا کند، توانایی مورد تهدید قرار دادن موقعیت آمریکا در خلیج فارس را خواهد داشت. وی روسیه و چین دو کشور قدرتمند و دارای مرز مشترک با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را به عنوان کشورهای شناسایی می‌کند که احتمال دارد منافع آمریکا را در این منطقه به خطر اندازند (واعظی، ۱۳۸۷: ۵۸). همسایگی جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز با افغانستان و تاثیر پذیری کل منطقه آسیای مرکزی و قفقاز از جریان اسلام رادیکال و ضعف دولت‌های منطقه در مقابل جریان فوق از یک طرف و قلمداد شدن این منطقه در زمره مناطق منافع حیاتی غرب و ناتو و تحقق بخشیدن به هدف ناتو مبنی بر مبارزه با تروریسم، از طرف دیگر توجیه کننده عقلایی سیاست حضور ناتو در آسیای مرکزی و قفقاز می‌باشد و با توجه به شعار ناتو مبنی بر حمایت از کنترل تسلیحات، خلع سلاح و عدم تکثیر حضور ناتو در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز نهادینه خواهد شد.

۴- گسترش ناتو به شرق

سقوط یکباره و نه چندان غیر منتظره اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و پایان ناگهانی جنگ سرد، پیامدها و آثار متفاوتی را به وجود آورد؛ جهان شاهد فروپاشی نظم کهن و ورود عرصه بین المللی به مرحله گذار به نظم نوین بود؛ در حالی که ابعاد این نظم، تا حدود زیادی نامشخص می‌نمود. اما آمریکایی‌ها با اراده معطوف به گسترش قدرت و تعمیق سلطه خود بر نظام بین الملل به این فضا به عنوان «فرصتی

طلایی» نگرینند؛ تا «ثبات هژمونیک» خود را شاهد باشند (www.arannews.ir). بدون شک حادثه ۱۱ سپتامبر، و حضور آمریکا در افغانستان موجب شد تا تروریسم به عنوان مهمترین و کارآمدترین ابزار مداخله جویی در راستای احیا و نهادینه کردن هژمونی ایالات متحده مورد استفاده قرار گیرد. ناتو به عنوان نهادی ارزشمند برای آمریکا، نقش تعیین کننده ای در تثبیت هژمونی این کشور و تداوم نفوذش در اروپا دارد و همچنین ابزار لازم را برای تأثیرگذاری در تحولات منطقه ای و جهانی در اختیار آمریکا قرار می دهد (امینان، ۱۳۸۴: ۴۵-۴۶). ناتو با حضور در افغانستان با شعارهای مانند مبارزه با تروریسم، ترس از اسلام رادیکال و... گسترش به شرق را توجیه می کند

۵- تضعیف طالبان

حضور طالبان در افغانستان باعث شد جنگ داخلی و ناامنی در افغانستان بوجود آید و یک دولت شبه نظامی ایجاد شود و این بزرگترین تهدید برای تثبیت صلح در منطقه بود. بزرگترین سود حضور ناتو و ایالات متحده برای جمهوری اسلامی ایران از بین رفتن بزرگترین دشمن ایدئولوژی ایران یعنی طالبان بود و باعث تضعیف و از بین رفتن طالبان و گروه القاعده شد. بطور یقین با حضور ناتو و ایالات متحده در افغانستان و تضعیف طالبان هم اکنون جمهوری اسلامی ایران در مرزهای شرقی خودش، بیشترین امنیت را در چند سال اخیر احساس می کند علیرغم اینکه ناتو در آن کشور حضور دارد.

۶- انزوای ایران

امریکا مایل است به عنوان یک قدرت برتر در منطقه حضور و نفوذ داشته باشد اما حضور جمهوری اسلامی ایران در این منطقه مانع سیاستهای توسعه طلبانه امریکا است. لذا از طریق افغانستان و عراق برای دارا بودن برخی شرایط برای رسیدن به اهدافش استفاده می کند. که کشور افغانستان با توجه به ویژگیهای زیر می تواند امریکا را به اهدافش نزدیک تر کند.

الف: وضعیت ژئوپلیتیکی: افغانستان به عنوان یکی از همسایگان ایران است و امریکا با حضور خود در این کشور می تواند کنترل بیشتری بر ایران داشته باشد.

ب: وضعیت ژئواستراتژیکی: امریکا در صدد است تا از این کشور به عنوان یکی از پایگاههای نظامی خود استفاده نماید، تا بتواند در صورت لزوم عملیات نظامیش را با ابعاد وسیع تری در منطقه انجام دهد.

ج: وجود گروهها و فرقههای رقیب مرز نشین: امریکا در صدد است تا از پتانسیل موجود در اقوام مرز نشین و اختلافات قومی و مذهبی برای ایجاد تفرقه در درون ج.ا.ا سود بجوید.

د: امریکا از حضورش در افغانستان و عراق با ژست‌های سیاسی در لفافه و با پوشش نرم و سرپوش گذاشتن روی فعالیت‌های خود در ابتدا با گماردن افراد تحت نفوذ خود در آن کشور زمینه‌های دخالت در سایر کشورها را گسترش می‌دهد.

آمریکا با اشغال افغانستان و سپس حمله به عراق در شرق و غرب ایران، اکنون به اعتباری در همسایگی ایران قرار گرفته است. به علاوه، آمریکا در پاکستان، حوزه خلیج فارس، ترکیه و جمهوری آذربایجان حضوری غیر مستقیم اما موثر دارد. به این ترتیب، مشاهده می‌شود که ایران در هر چهار طرف با حضور آزاردهنده آمریکا رو به روست. (غرایاق زندگی، ۱۳۸۶: ۲۱۵) ناتو به سرکردگی ایالات متحده آمریکا با اشغال افغانستان حلقه محاصره ایران را کامل کرده است و این به معنی است که ناتو تقریباً در تمام کشورهای همسایه ایران حضور دارد، حضور ناتو در مناطق پیرامون ایران تهدیداتی دارد که مهمترین این تهدید عبارت است:

- کم شدن فاصله‌ی سرزمینی نیروهای آمریکا و ناتو با جمهوری اسلامی ایران و امکان بهره برداری از آن در مواقع بحرانی

- کاهش حضور و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در کشورهای منطقه و کم شدن قدرت مانور ایران در این کشورها

- تهدید منافع و امنیت ملی ایران از طریق بهره برداری از اختلاف نظرهای موجود میان کشورهای منطقه

- تداوم تحکیم اعضای اصلی ناتو به بهانه‌های مختلف در کنار مرزهای کشورها
- تعیین ساختار امنیت منطقه‌ای بدون مشارکت ایران (جاویدنیا، ۱۳۸۲: ۱۸۷-۱۸۶)

در این راستا حضور ناتو نمی‌تواند در راستای منافع جمهوری اسلامی ایران باشد. جمهوری اسلامی ایران معتقد است مهمترین عامل بی‌ثباتی منطقه خاورمیانه به حضور نیروهای بیگانه بر می‌گردد از طرفی ناتو دارای ساز و کار سازمانی است که با حضور کشورهایی چون آمریکا در منطقه تفاوت دارد. به عبارت دیگر حضور آمریکا در منطقه براساس توافق با سایر کشورهای صورت می‌گیرد حضور ناتو با سازوکارهای سازمانی صورت می‌گیرد که نهادینه تر از حضور آمریکا است. معمولاً تعهدات کشورها به پیمان ناتو نهادینه تر و عمیق تر از توافقات دو جانبه است. بر این اساس در صورتی که حضور ناتو در افغانستان و منطقه نهادینه شود خروج ناتو از منطقه مشکل خواهد بود به عنوان مثال فشار افکار عمومی باعث خروج نیروهای

آمریکایی از کشور عراق شد چنین مساله‌ای بر سیاست‌های ناتو تاثیر کمتری دارد ضمناً هزینه‌های مادی و معنوی همیشه یکی از دلایل خروج ابر قدرت‌ها از منطقه بوده است ناتو به عنوان یک سازمان جمعی راحت تر میتواند هزینه‌های مادی و غیرمادی را تحمل کند در نتیجه به احتمال زیاد ناتو به مدت طولانی در افغانستان خواهد بود. همچنین آمریکا با پنهان نمودن خود در پشت ناتو، فشار افکار عمومی رانسبت به خود کمتر کرده است و راحت خواهد توانست منافع خود را در منطقه تامین کند در ضمن محتوای حضور ناتو در افغانستان نشان می‌دهد که ناتوایران را هدف قرار داده است و با همکاری با کشورهای منطقه به منزوی کردن هر چه بیشتر ایران تلاش خواهد کرد.

نتیجه گیری

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و نظام دو قطبی حاکم بر نظام بین المللی، بسیاری از کارشناسان و نظریه پردازان معتقد بودن که پایان جنگ سرد به منزله پایان نهادهای شکل گرفته در آن خواهد بود. آنها منتظر بودند که پیمان ناتو همانند پیمان ورشو به فعالیت خود پایان خواهد داد چرا که فلسفه وجودی آن یعنی پیمان ورشو از میان رفته است با گذشت زمان ناتو نه تنها از بین نرفت بلکه قوی تر از گذشته هم شد و به طرف شرق هم گسترش یافت.

توسعه روز افزون قدرت چین و احیای مجدد قدرت نظامی و سیاسی روسیه و هسته ای شدن هند و پاکستان و تلاش ایران برای دستیابی به فناوری هسته ای و رشد روز افزون تمایلات بنیادگرایی در منطقه نگرانی های را برای ناتو به رهبری ایالات متحده بوجود آورد و از طرف دیگر اهمیت استراتژیک منابع انرژی خلیج فارس و دریای خزر و برای ناتو و ترس از کنترل این منابع انرژی توسط قدرت‌های منطقه‌ای موجب شد تا ناتو به دنبال بهانه ای برای حضور در منطقه باشد این بهانه با حادثه ۱۱ سپتامبر فراهم شد. با حادثه ۱۱ سپتامبر ایالات متحده موضوع تامین امنیت برای خود و شرکایش را بسیار حیاتی دانست در حالی که امنیت نوعی مخفی کردن اهداف واقعی ناتو و ایالات متحده آمریکا است در واقع اهداف واقعی ناتو مبارزه با تروریسم نبود بلکه ناتو به منابع اروسیا نیاز شدید دارد و با حضور در افغانستان نه تنها می‌توانست منابع عظیم انرژی منطقه را در کنترل داشته باشد بلکه قطب های قدرت منطقه‌ای چین، روسیه و هند را تحت نظر داشته باشد. حضور ناتو در افغانستان یک سری پیامدهای ژئوپلیتیکی به دنبال داشت حضور ناتو در افغانستان باعث گسترش حوزه جغرافیایی عملکرد ناتو شد و این سازمان را از یک سازمان منطقه‌ای به یک سازمان فرمانطقه‌ای تبدیل کرد همچنین با حضور ناتو در افغانستان ماهیت این تشکیلات

دفاعی به تهاجمی تغییر یافت ناتو با حضور در افغانستان این کشور را به عنوان مرکز عملیات بر علیه دشمنان این پیمان قرارداد از طرف دیگر ناتو از مواد مخدر به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف ژئوپلیتیکی خود استفاده می کند و با بهره گیری از قدرت خود در افغانستان از مواد مخدر به عنوان ابزاری برای کنترل و تاثیرگذاری بر چین، روسیه و هند و کشورهای خاورمیانه استفاده می کند ناتو با حضور در افغانستان توانست به علت نزدیکی جمهوری های آسیای مرکزی و قفقاز به افغانستان حضور خود را در آسیای مرکزی و قفقاز نهادینه کند و با گسترش حوزه ماموریت خود، گسترش خود را به شرق توجیه کرد. بزرگترین سود حضور ناتو در افغانستان را برای کشورهای منطقه و به خصوص جمهوری اسلامی ایران می توان تضعیف و از بین رفتن طالبان را دانست. در مجموع می توان گفت پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، ناتو در عمق استراتژیک سه کشور قدرتمند منطقه ای هند، روسیه و چین، یعنی افغانستان قرار بگیرد. دشمن جدید به نام تروریسم سریعاً جایگزین کمونیسم شد تصور می شود مبارزه با تروریسم منافع زیادی برای ناتو به رهبری ایالات متحده آمریکا داشته باشد و تروریسم بهترین فرصتی است که کشور ایالات متحده آمریکا منافع خود را هر جا که بخواهد گسترش می دهد. حق دفاع مشروع طبق قطعنامه ۱۳۶۸ و تطابق آن با ماده ۵۱ منشور ملل متحد و ماده ۵ اساسنامه ناتو در مقابل حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر، برای ایالات متحده آمریکا به رسمیت شناخته شد عملاً ناتو را به عنوان بازوی اجرایی سازمان ملل متحده تبدیل کرد و از این طریق مدیریت بحران را ناتو به عهده گرفت این رویداد تئوری نئورئالیسم را اعتباری دوباره بخشید. برای ایالات متحده این فرصت را بوجد آورد در پشت ناتو به دنبال تثبیت موقعیت هژمونیک باشد.

قدردانی

مقاله حاضر مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد می باشد لذا نگارندگان از معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز به خاطر مساعدت در انجام پژوهش حاضر قدردانی می نمایند.

منابع و ماخذ

- ۱- احدی، افسانه، مفهوم استراتژیک نوین ناتو: آینده مناسبات فرآتلانتیک، ۱۳۸۹، فصلنامه سیاست خارجی ویژه ناتو، سال بیست و چهارم
- ۲- امینیان، بهادر، «ناتو و گسترش آن»، ۱۳۸۴، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین
- ۳- پرواز، رضا، بررسی عوامل تداوم بحران در افغانستان، ۱۳۷۹، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس
- ۴- ترابی، شهرام، تروریسم و تحول در سیستم بین المللی، ۱۳۸۱، ماهنامه‌ی دیدگاهها و تحلیلهای، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، سال شانزدهم
- ۵- جاویدنیا، کیومرث، گسترش ناتو به شرق و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲، تهران، موسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر
- ۶- حافظ نیا، محمدرضا، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، ۱۳۸۵، مشهد، چاپ اول، انتشارات پاپلی
- ۷- دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، افغانستان، ۱۳۸۸، تهران، چاپ اول، انتشارات وزارت امور خارجه
- ۸- دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، ۱۳۸۶، تهران، چاپ اول، انتشارات وزارت امور خارجه
- ۹- رحمانی، پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در افغانستان، کتاب آسیا ویژه افغانستان پس از طالبان، ۱۳۸۳، تهران، انتشارات ابرار
- ۱۰- سند استراتژی ملی قرن ۲۱ آمریکا، ۱۹۹۷
- ۱۱- شیرغلامی، خلیل، ایالات متحده - روسیه: مشارکت یا تقابل استراتژیک؟، ۱۳۸۰، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۳
- ۱۲- عزتی، عزت الله، ژئوپلیتیک در قرن ۲۱، تهران، چاپ سوم، سمت
- ۱۳- غرایان زندی، داود، ظهور پدیده طالبان و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶، تهران، مرکز چاپ سپاه دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه
- ۱۴- غرایان زندی، داود، ایران، خاور میانه و امریکا (مجموعه گفتگوها)، ۱۳۸۶، تهران، چاپ اول، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۵- کمپ، جفری؛ هارکاو، رابرت، جغرافیای استراتژیک خاور میانه. ج. ۱. ترجمه سید مهدی حسینی متین، ۱۳۸۳، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۱۶- متقی، ابراهیم، جایگاه ایران در بازار انرژی آسیای مرکزی، ۱۳۸۷، دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی. سال اول شماره ۱، زمستان و بهار

۱۷-موریر، ریچارد، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میر حیدر با همکاری سید یحیی (رحیم) صفوی، ۱۳۷۹،

تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح

۱۸-نامی، محمد حسن، جغرافیای کشور افغانستان، ۱۳۸۷، تهران، چاپ اول، نشر سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۷

۱۹-واعظی، محمود، ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و بحران ها (بنیان ها و بازیگران)، ۱۳۸۷، تهران، دفتر مطالعات

سیاسی و بین المللی.

۲۰-روزنامه شرق ۸۳/۱/۱۹

۲۱-کیهان ۸۷/۵/۱۳

۲۲-www.aranews.ir

۲۳-NATO in Afghanistan: A Test of the Transatlantic Alliance, Vincent Morelli & Paul Belkin,

Congressional Research Service, December ۳. ۲۰۰۹,

Internet address: www.fas.org